



سید احمد کاظمی
کارشناس حقوق بین الملل

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با ارسال یادداشتی به دبیرخانه سازمان همکاری اقتصادی در تهران ناراضیاتی شدید خود را از توزیع سندی با عنوان «بیانیه خانکندی، خلاصه رئیس هفدهمین اجلاس اکو» توسط باکو، اعلام و بر ضرورت اصلاحات مناسب و تغییرات لازم وفق توافقات و مذاکرات مطرح‌حه در طی اجلاس مذکور، تاکید کرد. در خصوص رفتار غیرحقوقی، یکجانبه و استفاده ابرازی وقیحانه باکو از اجلاس سران اکو/۱۳ تیر ۱۴۰۴ برای پیشبرد امیال ارضی، قومی و پان تورانی خود، پنج نکته قابل ارزیابی است: نخست، جمهوری اسلامی ایران به هیچ عنوان با سیاست‌های قومی و امیال ارضی دولت باکو علیه همسایگان از جمله ارمنستان که در قالب واژه‌های جعلی و اوهامی مانند «آذربایجان غربی» مطرح می‌شود، نه تنها همراه نیست بلکه به شدیدترین شکل آن را محکوم می‌کند. تهران، همان طوری که در عالیت‌ترین سطح، مخالفت خود را با کردیدور جعلی زنگرور (دالان تورانی ناتوا) و امیال ژئوپلیتیکی جبهه انگلوساسکونی که الهام علی‌اف به عنوان پادو برای آنها فعالیت می‌کند، اعلام کرده است، با ادعای ارضی باکو علیه ارمنستان که به بهانه بازگشت پیر آذرها یا آذری‌های رانده شده از ارمنستان مطرح می‌شود، مخالفت می‌کند. به دلیل آنکه، همان طوریکه تعدادی از آذری‌ها از ارمنستان از سال ۱۹۸۸ و در اوایل فروپاشی شوروی رانده شده‌اند، بیشتر از آنها، در حدود ۵۰۰ هزار نفر از ارمنه نیز از باکو، گنجه، شاماخی، سومگائیت، شمکیر، بردع، و دیگر شهرهای جمهوری آذربایجان رانده شده‌اند. تنها در یک فقره در باکو، خانه‌های بیش از ۵۰ هزار ارمنی رانده شده، به ترک‌های آهیسکا که از ازبکستان به جمهوری آذربایجان مهاجرت کرده‌اند، واگذار شده و حقوق مالکانه ارمنه جمهوری آذربایجان نقض شده است، بنابراین این موضوع باید به صورت متقابل و در روند مذاکرات معاهده صلح، حل و فصل شود. استفاده ابرازی باکو از این موضوع، موبد ادامه سیاست‌های توسعه طلبانه ارضی این کشور است که خطری برای منطقه از جمله گرجستان، ارمنستان، روسیه و ایران محسوب می‌شود. دوم، حضور دکتر پزشکیان رئیس جمهوری کشورمان در اجلاس اکو که به فاصله اندکی پس از سفر بی نتیجه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ ایشان به باکو و به رغم مخالفت گسترده افکار عمومی و جامعه نخبگانی کشور صورت گرفت به معنای تایید وضعیت موجود قزاق‌ها/ ارتساج که از سال ۲۰۲۳ شاهد یک پاکسازی قومی مدرن و اخراج بیش از ۱۴۰ هزار ارمنی بومی و قرار گرفتن ظرفیت‌های این منطقه در خدمت رژیم صهیونی شده است، نیست. ایران در چارچوب رهنمودهای مقام معظم رهبری ضمن احترام به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان، از حق بازگشت ارمنه ارتساج/ قزاق‌ها به خانه و کاشانه خود و رعایت حقوق مالکانه، مذهبی و فرهنگی آنها و ابتکارات بین‌المللی در این خصوص از جمله «ابتکار صلح سوتیس برای قزاق‌ها»، ادامه بررسی پرونده کثیری علیه باکو در دیوان بین‌المللی کفیری و قطعنامه اکبر ۲۰۲۲ پارلمان اروپا در محکومیت پاکسازی قومی در قزاق‌ها حمایت می‌کند. سوم، اقدام باکو در نقض توافقات اعضا برای انتشار سندی با عنوان «خلاصه رئیس اجلاس» به جای صدور «اعلامیه نهایی اجلاس اکو» و دستکاری در این سند به نفع رژیم متجاوز صهیونیستی، بار دیگر برای ایرانیان و افکار عمومی جهان نشان داد که در جنگ همه جانبه رژیم صهیونیستی علیه ایران، دولت باکو و الهام علی اف رئیس جمهور این کشور کاملاً در کنار رژیم تل آویواست. به همین دلیل نیز دولت باکو در طول ۱۲ روز جنگ بهمانند اسرائیل با استفاده از واژه عملیات نظامی برای توصیف این تجاوز، از محکوم کردن تجاوز نظامی به ایران خودداری کرد و پس از جنگ نیز به رغم نمایش سیاست تحمیقی علی اف علیه دولت پزشکیان مبنی بر اینکه وزیر خارجه‌اش محکوم کرده است، باکو حاضر نشد رویکرد محکومیت و همچنین موضع وزیران امور خارجه سازمان همکاری اسلامی در محکومیت تجاوز را در بیانیه ادعایی اجلاس خانکندی / استپانکرت بیاورد. این اقدام دلیل واضحی بر تداوم حمایت عملی باکو از تجاوز رژیم صهیونی نیست است که البته با رفتار عملی دولت علی اف در واگذاری بیش از ۵ پایگاه جهت نشست و برخاست جنگنده و پهپاد‌های صهیونی و حملات آنها به تبریز، تهران و شمالغرب، همسو است. چهارم، به لحاظ حقوقی و آداب دیپلماتیک هرگونه صدور بیانیه یا سند مشترک در اجلاس سران با وزیران در اجلاس‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی، باید بر اساس توافق و رضایت همه اعضا و در قالب اصل وفاق عام یا کنسانسوس باشد. باکو ضمن نقض این قاعده و تزاکت حقوقی، نشان داد که چگونه به رفتار محترمانه شخص پزشکیان در برخاستن از صندلی برای ورود الهام علی اف در حضور سایر روسای جمهور که از لحاظ آداب دیپلماتیک رفتاری خارج از پروتکل محسوب می‌شود، با ناسیاسی پاسخ داده است. در اجلاس وزیران امور خارجه ۳+۳ (سه کشور قفقاز به علاوه ایران، روسیه و ترکیه) در تهران در آبان سال ۱۴۰۴ به دلیل مخالفت باکو، ایران ناچار شد بخشی از محتوای بیانیه تهران از جمله در خصوص محکومیت رژیم صهیونیستی در نسل کشی غزه را حذف و مواردی را هم تعدیل کند. اکنون ادامه رویکرد دوستی و برادری یکطرفه از سوی تهران، نه تنها نتیجه بخش نیست بلکه تداوم آن خسارت بار است. در این فرایند باید رویه «ترک فعل نهاد‌های ذریبط» پایان یابد و افرادی که به دلیل نفوذ و یا تجارت شخصی با خاندان علی اف و پاشایف؛ و در ظاهر با انواعی از توجیهات و باصطلاح مصطلحات اندیشی‌های ساده لوحانه، اینگونه‌شان و منزلت ملت ایران را تخریب می‌کنند، تاوان رفتارهای ضد ایرانی خود را بپردازند. پنجم، باکو به لحاظ حقوقی باید اعتراض ایران به بیانیه ادعایی خانکندی را که در قالب صدور «بیانیه تفسیری» اعلام شده است، در اسناد اجلاس اکو، ویسایت این سازمان منتشر و رسماً به همه اعضای اکو ارسال نماید و بابت این سوء استفاده از اعضای اکو عذرخوانی کند.

محمد سلامتی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پزشکیان در دشوارترین

دوره ریاست جمهوری



ایران در آغاز جنگ ۱۲ روزه بی‌تقصیر بود

فعال کردن مکانیسم ماشه زورگویی عربان است

آرمان ملی - احسان انصاری: جنگ ۱۲ روزه و دوران پس از آن دورانی است که شاید بتوان با برخی اصلاحات و تجدیدنظر در برخی سیاست‌های اشتباه گذشته سرمایه اجتماعی را ارتقا داد و کشور را در مسیر تعالی سوق داد. این در حالی است که در این زمینه کشور با فراز و نشیب‌های متعددی مواجه خواهد بود. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ریشه‌های شکل‌گیری جنگ ۱۲ روزه و باید‌ها و نیاید‌هایی دوران پس از آن به مهندس محمد سلامتی وزیر پیشین کشاورزی و وزیر کشوروزی در دولت‌های رجایی، باهنر، مهدوی کنی و دو سال اول دولت اول میرحسین موسوی گفت‌وگو کرده است. سلامتی در این زمینه معتقد است: «چه اپوزیسیون

چرا کشور وارد مذاکره و سپس جنگ شد؟ تحلیل شما از روندی که ایران طی کرد تا به جنگ ۱۲ روزه رسید چیست؟

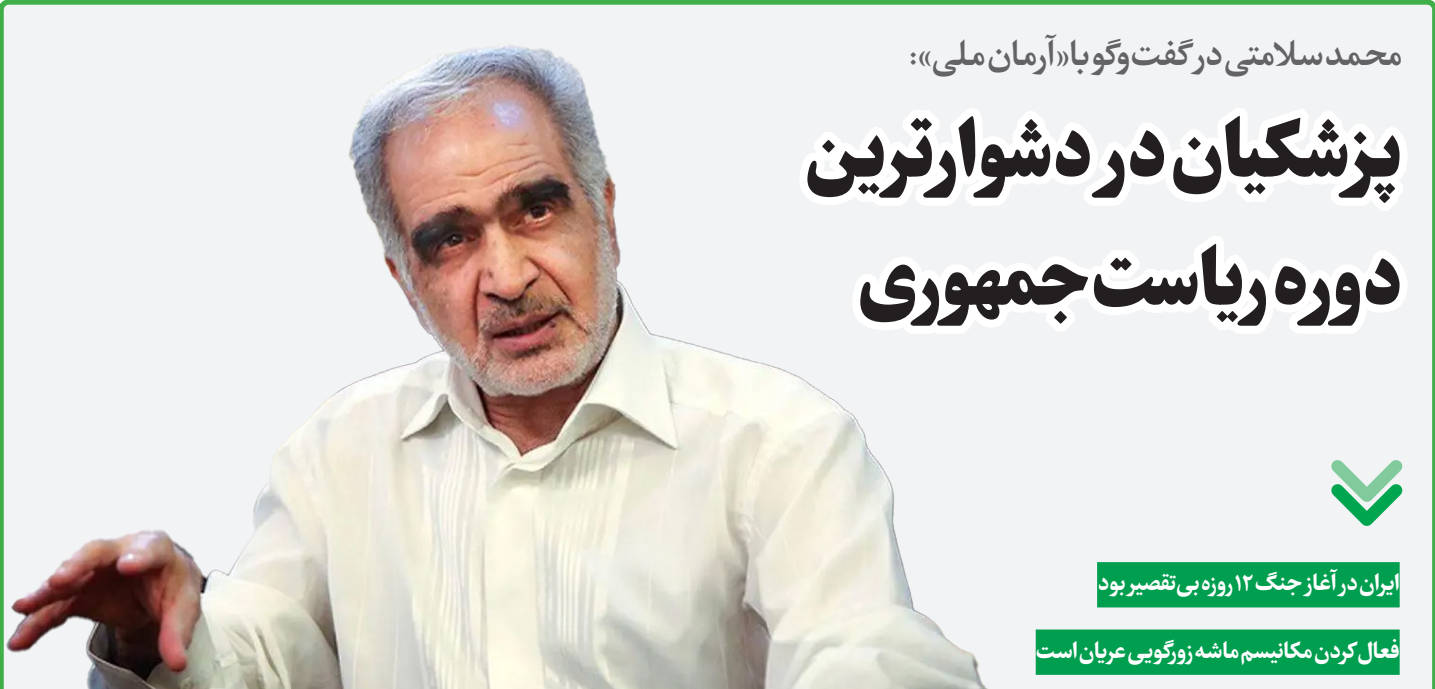
مذاکره ایران و آمریکا بیامون موضوع انرژی هسته‌ای در جهت نیل به توافقی که هم ایران طبق قوانین بین‌المللی بتواند از مزایای انرژی اتمی بهره‌مند و تحریم‌های ناموجه نیز برداشته شود و هم اطمینان خاطر در مورد غیر نظامی و صلح آمیز بودن آن به وجود آید مورد توجه و استقبال کشورهای مختلف بود. لذا ایران کار درستی کرد که وارد مذاکره شد. طرف مقابل یعنی آمریکا نیز وانمود می‌کرد که با همین هدف مذاکره را تعقیب می‌کند. اما به شکل تقریباً بی‌سابقه‌ای ازاین روند منطقی، صلح آمیز و شفاف خارج و به ایران حمله نظامی کرد. هیچ توجه قابل قبولی برای این کار وجود ندارد. این کار با گذاشتن روی همه اصول ومقررات بین‌المللی و اخلاق عرف در سطح جهان بود، بنابراین ایران در این جنگ کاملاً بی‌تقصیر بود. این واقعه ایران را در حالت مظلومیت قرار داد. محکوم کردن این حمله توسط بسیاری از کشورها ناشی ازاین مظلومیت بود. نکته مهم‌تر از آن تحکیم وحدت ملی و حتی ابراز همبستگی اپوزیسیون نیز ناشی ازاین مظلومیت بود. بنابراین جنگ بر ایران تحمیل شد و مذاکرات معطل گردید.

چرا در حالی که از مدت‌ها قبل باید منتظر چنین اتفاقاتی می‌بودیم در ابتدای جنگ با غافلگیری مواجه شدیم و فرماندهان کلیدی خود را از دست دادیم؟ این اتفاق چه پیامدهایی داشت؟

به نظر من نفس ترور فرمانده هان ازسوی اسرائیل حالت غافلگیرکننده نداشت. حدود شش، هفت ماه پیش و پس از ترور مسئولین حزب... و حماس اسرائیل اعلام کرد همین کار را با مسئولان ایرانی انجام خواهد داد. تعبیری هم که در این زمینه به کار برد این بود که کار اصلی از بین بردن دشمن اصلی است. متأسفانه دست اندکاران از تجربه پیش آمده درلبنان و غزه و اطلاعات مربوطه نتوانستند استفاده کنند و فاجعه به بار آمد، اما آنچه که غافلگیرکننده بود همکاری کامل آمریکایی‌ها با اسرائیلی‌ها در این ترورها و جنگ بود درحالی که برای رسیدن به یک توافق، مشغول مذاکره با ایران بودند. آنها وانمود می‌کردند که در مذاکرات جدی هستند. بارها روند مذاکرات را ظاهراً با دید مثبت ارزیابی و آن را مطلوب می‌دانستند. درحالی که با توطئه تدارک دیده شده ازسوی صهیونیست‌ها هماهنگ بودند. این شیوه عمل جزو کنیف‌ترین و دریا نه‌ترین اعمال در مناسبات بی‌مایین کشورهایی است که رسماً وارد جنگ با یکدیگر نشده‌اند محسوب می‌شود. از این اعمال حتی گروه‌های تبهکار هم برای حفظ بخشی از اعتبار کارساز و ضروری خود اجتناب می‌کنند. اما آمریکایی‌هایی پروا این کار را کردند. ترورهایی که انجام شد گرچه ابتدا خلأیی به وجود آورد، اما به سرعت این خلأ پر شد. لذا نقش تعیین کننده در جنگ ایفانکرد.

پس از این جنگ پروژه نفوذ در ایران به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است؟ ارزیابی شما از این موضوع چیست و ریشه‌های نفوذ را در چه مسائلی می‌دانید؟

من از اینکه نهاد‌های ذریبط در مورد پروژه نفوذ بعد از جنگ چه کرده‌اند اطلاع دقیقی ندارم. اما به نظر من قبل از جنگ به رغم هشداری که در این زمینه داده شده ظاهراً کار مؤثری صورت نگرفته بود که منتهی به این فاجعه شد. البته موضوع نفوذ منحصر به ایران نیست. بسیاری از ارگان‌های دولتی و حتی سازمان‌های امنیتی در دنیا همواره در معرض نفوذ عناصر دشمن قرار دارند و عمدتاً این امر تحقق پیدا می‌کند. لذا باید دستگاه‌های مربوطه به ایران این امر را بدیهی تلقی کرده و برای مقابله با آن اولویت قائل شوند. اما وضعیت نشان می‌دهد که اولویت این دستگاه‌ها موضوعات دیگری بوده است. ساده انگاری و سطحی نگری نیز مزید بر علت شده است.



داخلی و خارجی به صحنه بیایند و چه نیایند و چه آنها قوی باشند یا ضعیف، بحث آزادی زندانیان سیاسی را باید جدا از آنها در نظر گرفت. جمهوری اسلامی برای پیشرفت باید نشان دهد که تحمل نقد صاحب نظران من جمله اکثریت زندانیان سیاسی را دارد. لذا باید آنها‌یی را که زندانی شدنشان با معیارهای شناخته شده همخوانی ندارد آزاد کند. این اقدام به خصوص در زمان جنگ و ضرورت تقویت همبستگی ملی، یک امر الزامی است. احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف، باید این الزام را منعکس نمایند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اندرکاران یک امر ضروری است. خوشبختانه آقای پزشکیان در این زمینه به نحو مطلوبی موفق بوده است. جلب حمایت مقام رهبری و ایجاد هماهنگی بین سران سه قوه در جهت حل مسائل مختلف را می‌توان در این راستا تعریف کرد. انعکاس نتیجه این وحدت عمل بیشتر حاکی از عملکرد جمع است، اما حرکت جدی در مسیر وحدت نظر و وحدت عمل و نتایج مثبت آن را باید به حساب آقای پزشکیان نوشت.

تنش‌های بین‌المللی و جنگ چه تأثیری بر روند دولت چهارم‌گذاشته است؟ سرمایه اجتماعی دولت در این مدت افزایش داشته یا کاهش؟

آقای پزشکیان شعار صلح‌طلبی و ضد جنگ داد. علاوه بر این برای حل مسائل بین‌المللی مذاکره و گفت‌وگو را محور قرار داد. آمریکا طرف مذاکره با حلیه‌ای بزرگ از مذاکره برای سرویش گذاشتن بر توطئه استفاده کرد و حمله نظامی انجام داد. این شیوه عمل در اذهان بسیاری از مردم جهان به خصوص مردم ایران و حتی اپوزیسیون تأثیر منفی بر وجهه آمریکا گذاشت و متقابلاً تأثیر مثبت بر وجهه دولت کرد که مظلوم واقع شد. گذاشت. این خود به افزایش سرمایه اجتماعی دولت کمک کرد.

با احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی چه چشم‌اندازی را برای کشور متصور هستید؟ طبیعتاً با فعال شدن مکانیسم ماشه فشارهای اقتصادی بر ایران گسترش می‌یابد. محدودیت‌های گوناگونی برای ایران به وجود می‌آید، به خصوص در مورد حمل و نقل بین‌المللی. لذا باید ایران برای شرایط منفی ناشی از آن آماده شود. البته این یک زورگویی عربان است. آمریکا و اروپا خودشان بازی را به هم می‌زنند و بعد طلبکار هم می‌شوند. ایران با اینکه بارها اعلام کرده که حاضر است موضوع انرژی هسته‌ای را به روال عادی برگرداند. آنها با دودوزه بازی و حيله آن را نادیده می‌گیرند. اما همین شیوه عمل احتمالاً موجب خواهد شد برخی کشورها به موضوع‌گیری منفی کشیده شوند و لذا کاملاً ضوابط مربوط به فعال شدن مکانیسم ماشه را رعایت نکنند و فشارها به صورتی که دشمنان می‌خواهند صورت نگیرد. البته اروپائیان نیز در نهایت چون سودی برایشان ندارد، شاید از فعال کردن مکانیسم ماشه صرف نظر نکنند و بیشتر سراغ مذاکره و توافق بروند.

به صحنه آمدن اپوزیسیون داخلی و خارجی در راستای حمایت از کبان ملی چه ظرفیت‌هایی برای کشور ایجاد کرد و چگونه می‌توان از این ظرفیت‌ها استفاده کرد؟ به نظر من چه اپوزیسیون داخلی و خارجی به صحنه بیایند و چه نیایند و چه آنها قوی باشند یا ضعیف، بحث آزادی زندانیان سیاسی را باید جدا از آنها در نظر گرفت. جمهوری اسلامی برای پیشرفت باید نشان دهد که تحمل نقد صاحب نظران از جمله اکثریت زندانیان سیاسی را دارد. لذا باید آنها‌یی را که زندانی شدنشان با معیارهای شناخته شده همخوانی ندارد آزاد کند. این اقدام به خصوص در زمان جنگ و ضرورت تقویت همبستگی ملی، یک امر الزامی است. احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف، باید این الزام را منعکس نمایند.

پزشکیان از زمانی که به ریاست جمهوری رسید تاکنون با چالش‌های بین‌المللی و جنگ مواجه بوده است. وی در این مدت توانسته چه نقشی در این معادلات داشته است؟ آیا پزشکیان توانسته خود را به عنوان یک رئیس جمهور تأثیرگذار در هرم قدرت نشان بدهد؟ اگر نتوان گفت که چالش‌هایی که در دوره ریاست جمهوری آقای پزشکیان ظاهر شده بدترین چالش‌ها در زمان جمهوری اسلامی بوده اما می‌توان آنها را جزء سخت‌ترین‌ها به حساب آورد. بی تردید برای مقابله با چالش‌ها، وحدت نظر و وحدت عمل مسئولین و دست

پس از جنگ سناریوهای متعددی برای آینده ایران ترسیم شده است. دیدگاه‌شمار این زمینه چیست و چه تصویری نسبت به آینده ایران با توجه به شرایط موجود دارید؟ آینده ایران به عوامل و هجوم نظامی بیگانه نمی‌تواند سرنوشت ایران را تعیین کند. بلکه این شیوه مدیریت و مناسبات اجتماعی است که آینده را ترسیم می‌کند.

سناریوهای روابط ایران با روسیه و چین پس از تجاوز ۱۲ روزه اسرائیل

دوری احتمالی تهران از مسکو و پکن؟

در طول سالیان متمادی خصومت مشترک با ایالات متحده، چین، روسیه و ایران را به سمت تقویت روابط سیاسی و نظامی خود سوق داده که منجر به تشکیل چیزی شده که مثلث استراتژیک علیه غرب نامیده می‌شود. به‌رغم هماهنگی نزدیک ظاهری بین این سه کشور، که در رزمایش‌های نظامی مشترک و اتخاذ گفت‌وگان سیاسی هماهنگ خواستار جهانی چندقطبی تجسم یافته است، تهداد امنیتی مسکو و پکن به تهران کماکان محدود و با محاسبات دقیق مدیریت می‌شود. مواضع چین و روسیه در مورد حمله اخیر اسرائیل به ایران، پرسش‌هایی را در تهران در مورد قابلیت اطمینان این اتحاد‌ها در مواقع بحرانی ایجاد کرده است. به‌رغم شعارهای اعلام شده، تجربه نشان داده که این روابط بر اساس منافع موقت مدیریت می‌شوند، نه تعهدات استراتژیک محکم، که ارزش آن را برای تصمیم‌گیرندگان ایرانی تضعیف می‌کند. این واقعیت، اولویت‌های سیاست خارجی ایران را تغییر شکل خواهد داد و محدودیت‌های آنچه مسکو یا پکن می‌توانند در لحظات رویارویی به تهران ارائه دهند را آشکار می‌سازد.

سکوت متحدان استراتژیک

در دوره پس از جنگ اسرائیل و ایران، مهم‌ترین پرسش کماکان باقی است: چه چیزی روسیه و چین را بر آن داشت تا از دیگری مستقیم در این رویارویی اجتناب ورزند و یک متحد استراتژیک همانند ایران را بدون ارائه پشتیبانی موثر مناسب با قدرت روابط شان، در معرض حمله اسرائیل قرار دهند؟ مسلم است که مسکو و پکن به دنبال ادامه جنگ علیه تهران نبودند و هم چنین نمی‌خواستند یک شریک استراتژیک را از دست دهند یا نمی‌خواستند زیرساخت‌های نظامی ایران به طور گسترده تخریب شود. با این وجود، موضع آن دو کشور بازتاب دهنده یک واقعیت ظریف و پیچیده بود. هم مسکو و هم پکن خود را در محاصره شبکه‌ای از محاسبات ظریف و توازن‌های ظریف یافتند که تصمیمات آنان را محدود می‌ساخت و حاشیه عمل محدودی را به تهران تحمیل می‌کرد. این واقعیت را می‌توان به شرح ذیل توضیح داد: موضع بی‌طرفانه روسیه: موضع مسکو در مورد جنگ اسرائیل علیه ایران به بی‌طرفی نزدیک‌تر بود، زیرا پاسخ روسیه به صدور محکومیت رسمی تجاوز اسرائیل محدود شد، بدون آنکه حمایت ملموسی، به نظامی و چه سیاسی، از تهران ارائه دهد. از جمله اظهارات تاریکی که لحنی تند داشت و بیان‌گر دره‌گونه تلاش برای تغییر نظام سیاسی در ایران توسط روسیه بود، می‌توان به اظهارات «دیمیتری پسکوف» سخنگوی کرملین اشاره کرد که ترور احتمالی رهبر انقلاب را «اکلا غیر قابل قبول» خواند و هشدار داد که در آن صورت واکنش روسیه «بسیار منفی» خواهد بود. با این وجود، به‌رغم این لحن هشدارآمیز، «پسکوف» از روشن ساختن ماهیت واکنش احتمالی روسیه در صورت ترور خودداری کرد و در عوض اشاره نمود که این واکنش از درون ایران شدید خواهد بود. او افزوده بود که چنین رویدادی می‌تواند ناآرامی‌های داخلی را شعله‌ور سازد و به ظهور جنبش‌های افراطی دامن زده و آکنسانی که ایده ترور رهبر را ترویج می‌کنند، خواست تایید فاجعه‌باری را که می‌تواند به دنبال داشته باشد، درک کنند و آن را به مثابه کشودن در به روی «هرج و مرج» و «شر» توصیف کرد. موضع روسیه پرسش‌هایی را در مورد است که دو کشور ایران و روسیه در گروه‌های، که شامل کشورهای غیر غربی با اقتصادهای نوظهور است شریک هستند، گروهی که روسیه سهم قابل توجهی در ایجاد آن داشته است. علاوه بر همه این موارد، ایران یکی از معدود کشورهای باقی مانده است که انترزای روسیه را در هم شکسته، زیرا با این واقعیت که روسیه تحت تحریم‌های شدید غرب قرار دارد نقطه اشتراک دارد. با این وجود، مسکو به ویژه با توجه به نشانه‌هایی از بهبود نسبی روابط روسیه و آمریکا، به لزوم حفظ کانال‌های ارتباطی با دولت ترامپ توجه دارد. علاوه بر این، روسیه در حال حاضر مشتاق است از دیگری در کشورهای خلیج فارس که به‌رغم بهبود روابط با ایران، هنوز آن کشور را به عنوان یک دشمن استراتژیک می‌بیند، اجتناب ورزد. بنابراین، هرگونه جانبداری آشکار روسیه نسبت به تهران می‌تواند به تعادل روابط آن کشور در خلیج فارس و اوپک آسیب برساند و دستاوردهای آن کشور را در بازارهای نفت تضعیف کند. علاوه بر این، به‌رغم نقش روسیه در توسعه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، به گفته ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه تقریباً ۲۰۰ دانشان و مشاور روسی در تأسیسات آن کشور کار می‌کنند. این واقعیت باعث می‌شود تا روسیه از چشم‌انداز یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای استقبال نکند. در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای توسط تهران، جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی آن کشور را تقویت خواهد کرد امری که با محاسبات ژئوپلیتیکی مسکو، به ویژه با توجه به نزدیکی جغرافیایی بین دو کشور، مغایرت دارد.

مهدی عرب صادق:

تندروها شاخه‌های خشکیده‌اند که خارهای خود را در تن ملت فرو می‌کنند

این فعال سیاسی با بیان اینکه تندروها در نارضایتی مردم زیست می‌کنند، اظهار کرد: از نگاه تندروها مخصوصاً نمایندگان این تفکر در مجلس، ترند شدن در فضای مجازی بر هر موضوع دیگری ارجح است و مهم نیست که این هدف با چه قیمتی به دست آید و چه لطامات و آسیب‌ی به کشور و مردم وارد کند چون هدف غایی و نهایی آنها ایجاد نارضایتی در جامعه است؛ اگر نارضایتی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نباشد، ماهیت و هویتی برای این جماعت باقی نمی‌ماند. وی افزود: تندروها شاخه‌های خشکیده‌ای هستند که خارهای خود را در تن ملت فرو می‌کنند. اگر کشور بر مدار آرامش حرکت کند و از تنش و هیجان دور شود، تندروها نه کارنامه انقلابی دارند و نه